

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : جهانگیر

۱۰/۱۱/۱۶

اخیراً مطلبی از محمد قرا گوزلو زینت بخش سایت های اینترنتی شده است. این مطلب که عنوان « سیاست خارجی جنبش کارگری » را بر خود دارد ابتداء در سایت های « اتحاد سوسیالیستی کارگری » (۱) و « کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری » که مطالب قرا گوزلو را منعکس می کنند منتشر شد و سپس در دیگر سایتها انتشار یافت. مطلبی که حاوی یک بدعت ضد کارگری است و متأسفانه مورد بی توجهی قرار گرفت.

خانه کارگرتهدیدی دایمی علیه جنبش کارگری:

غفلت جایز نیست

خانه کارگر جمهوری اسلامی به مثابه نهادی سرکوبگر و ابزار حاکمیتی ارتجاعی برای ایجاد انحراف و کنترل و سرکوب تلاشها و ابتکارت و مبارزات مستقل طبقه کارگر همیشه مانعی فعال در برابر ابراز وجود و رشد این مبارزات و تهدیدی دایمی علیه آن بوده و تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت است چنین خواهد بود. لازم به تصریح و تأکید است که اینجا خانه کارگر با همه زیر مجموعه هایش یعنی شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی و اتحادیه های دست ساز، و هر گونه فعالیت به اصطلاح کارگری که به نحوی به خانه کارگر متصل است و با این نهاد سرکوبگر رفت و آمد دارد، مورد نظر است.

به رسمیت شناختن این تهدید دایمی، و پذیرش و تعهد به این اصل اساسی که خانه کارگر با همه زیر مجموعه هایش نهادی سرکوبگر و جز لاینفک ماشین بزرگتر سرکوب ارتجاع حاکم است از چند جنبه برای جنبش کارگری ضرورتی قطعی و اصلی خدشه ناپذیر است.

ابتداء خود واقعیت خونبار بیش از سه دهه عملکرد خانه کارگر است که با کنترل و سرکوب هر بارقه ای از ابراز وجود مستقل کارگران یک فقر و فلاکت و ناامنی و بی حقوقی و بی حرمتی عمیق و گسترده را به طبقه کارگر تحمیل نموده است. از اینرو به حکم وفاداری به منافع آبی و آبی طبقه کارگر، زیر نظر داشتن تحرکات این نهاد ضد کارگری و افشای بی وقفه ترفندهای آن و آگاه نمودن و برحذر داشتن نسلهای جوان کارگران از آن و نیز

حفظ فاصله و استقلال جنبش کارگری وظیفه ای تخطی ناپذیر و غیرقابل ممانعت برای همه ما فعالان مستقل جنبش کارگری می باشد.

دقیقا به دلیل همین واقعیت سهمگین است که مرزبندی صریح و قاطع و هم جانبه با این نهاد، و پذیرش شفاف و بی ابهام این اصل که خانه کارگر نهادی سرکوبگر و علیه جنبش کارگری است از تعاریف پایه ای و هویت بخش جنبش مستقل کارگری می باشد. این از مرزهای تعیین کننده تمایز و تقابل جنبش مستقل کارگری با دشمنان طبقاتی اش، و نیز تمیز دهنده تشکلات و فعالان مستقل و با اصالت جنبش کارگری از عناصر اکثریتی و توده ایستی است که در پوشش «فعال کارگری» به عنوان کارچاق کن خانه کارگر عمل می کنند. بنابراین هر گونه تخطی، هرگونه قصور، هرگونه ممانعت، یا هر گونه سیاستی که به نحوی از انحاء این مرزبندی حیاتی را کمرنگ نموده و به سیاست بازی با خانه کارگر میدان می دهد و برایش ثنوری می بافد مستقیما در خدمت تقویت این نهاد سرکوبگر علیه جنبش کارگری بوده و روش و سیاستی تماما ضد کارگری است.

دیگر اینکه خانه کارگر در پناه قدرت سرکوبگرانه اش و به منظور ایجاد انحراف و کنترل جنبش کارگری به حيله ها و ترفند ها و پروژه هائی اقدام می کند تا اولاً در حدامکان بتواند نقش سرکوبگرانه اش را در سایه قرار دهد و ثانياً زیر مجموعه هایش را به عنوان ظرفی برای بروز مبارزات کارگری جلو بیندازد تا بتواند این مبارزات را منحرف و کنترل و به هنگام لزوم سرکوب نماید. چنین مکانیسمی قدرت فریب خانه کارگر را افزایش داده و لذا افشای ترفندهای آن و مرزبندی دایمی با خانه کارگر را ضروری می سازد.

بعضا شاهد اظهاراتی از سوی فعالان مستقل کارگری هستیم که به درستی خانه کارگر را مورد انزجار توده های کارگر و لذا تضعیف شده دانسته اما به طور سهل انگارانه ای برخورد به آن را غیر ضروری و پر اهمیت شدن خانه کارگر ارزیابی می کنند. این برخورد نادرست از آنجا که به عدم حساسیت به تحرکات خانه کارگر می انجامد خطرناک است. البته که این از حقایق مهم جنبش کارگریست که خانه کارگر مورد انزجار توده های کارگر است، حقیقتی که تقویت کننده موقعیت جنبش مستقل کارگری می باشد. اما باید توجه داشت که انزجار مورد نظر تا اینجا صرفاً به شکست هدف خانه کارگر برای تبدیل زیر مجموعه هایش به ظرف بروز مبارزات کارگری انجامیده و نه به پایان نقش ضدکارگری و توان و امکانات آن برای انحراف و کنترل و سرکوب جنبش کارگری. منشاء امکان و توان خانه کارگر برای ستیز علیه جنبش کارگری نه در نفوذ نداشته آن در میان کارگران، که به امکانات نامحدود مالی و سیاسی و لجستیکی و آکادمیک قدرت حاکمه وابسته است و لذا تا روزی که جمهوری اسلامی در قدرت است توان و امکانات خانه کارگر هم در جای خود باقیست. بنابراین هیچگاه نباید با برخوردی سهل انگارانه به این نهاد ضد کارگری در افشای ترفندهای آن غفلت ورزید.

تأکید و پافشاری بر این نکات امروز از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که شاهد پیدایش یکی از ترفندهای جدید این نهاد سرکوبگر هستیم و در همان حال نیز شاهد برخورد انفعالی فعالان مستقل کارگری به آن.

اخیراً به دنبال تبانی بین **وزارت کار و خانه کارگر** چیزی به نام «**کانون عالی انجمن های صنفی کارگری**» علیه **جنبش کارگری** برپا شده است. این کانون ضد کارگری در کوتاه مدت بناء به شواهدی از امکان فریب بخش هائی از طبقه کارگر و اخلال در تلاش های مستقل آنان برخوردار است. چرا که اولاً خلاف شوراهاى اسلامى کار که تشکلاتی کارگری و کارفرمائی تعریف می شوند، انجمن های صنفی خود را کارگری معرفی می کنند؛ دوم خود را مستقل از دولت به نمایش گذاشته و به عنوان تشکل مستقل می نمایانند؛ سوم با پنهان نمودن رابطه شان با خانه کارگر و طرح انتقاداتی دروغین به آن می کوشند تا مجزا و متفاوت تصویر شوند؛ چهارم اینکه در رابطه با تشکل

های مستقل کارگری سعی دارند با « تعامل » و « منطقی » و به عنوان « همکاران ما » برخورد کنند تا حامل نقش سرکوبگر خانه کارگر تلقی نشوند.

به هر حال برداشت ما از میزان تأثیرات منفی این جریان هر چه باشد این ضروری بود و هست که تشکل های مستقل کارگری با افشای آن اعلام موضع کنند و با هر زبانی که صلاح می بینند بگویند در شرایطی که رهبران و فعالان مستقل کارگری یکی پس از دیگری در بازداشت و زندان و تحت پیگیری و از کار محروم اند و تشکلات آنان تحت سرکوب بی وقفه قرار دارند، ایجاد « کانون عالی انجمن های صنفی کارگری » با برنامه ریزی و هدایت خانه کارگر و وزارت کار چیزی جز تداوم همان سرکوب همیشگی تلاش های مستقل طبقه کارگر نیست.

سکوت تشکلهای مستقل کارگری نسبت به ایجاد « کانون عالی انجمن های صنفی کارگری » که ناشی از همان برخورد سهل انگارانه به نقش خانه کارگر است که به آن اشاره شد، و نیز همراه شدن آن با برخورد انفعالی به واقعه دیگری که در پائین می آید برای وضعیت کنونی این تشکل ها مخاطره انگیز است.

اخیرا مطلبی از محمد قرا گوزلو زینت بخش سایت های اینترنتی شده است. این مطلب که عنوان « سیاست خارجی جنبش کارگری » را بر خود دارد ابتدا در سایت های « اتحاد سوسیالیستی کارگری » (۱) و « کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری » که مطالب قرا گوزلو را منعکس می کنند منتشر شد و سپس در دیگر سایتها انتشار یافت. مطلبی که حاوی یک بدعت ضد کارگری است و متأسفانه مورد بی توجهی قرار گرفت. محمد قرا گوزلو می گوید:

« نگارنده بر این باور است که: الف- جنبش کارگری از سمپات ها و دلالان خانه کارگر تا تشکل های مستقل، جنبشی است که گرایش های مختلف اعم از راست ارتجاعی تا چپ سوسیالیستی را در بر می گیرد. ب- جنبش کارگری، مستقل از مواضع راست و چپ احزاب و گروه ها عمیقا و ذاتا ضد امپریالیست است.» (۲)

اگر چه در این گفته موجز و روشن، تطهیر خانه کارگر از نهاد سرکوب و ابزار ارتجاع حاکم برای تحمیق و اسارت و بردگی طبقه کارگر، و تبدیل این جریان باند سیاهی و کارگرکش به بخش و جزئی از جنبش کارگری، و ترسیم آن به عنوان نهاد خودی درون جنبش، و به این ترتیب غسل تعمید خانه کارگر از جنایات تانکونی اش، واضح تر از آنست که نیازی به توضیح باشد اما هنوز لازم به تأکید است که در اینجا:

۱- خانه کارگر ابتداء از یک دستگاه عریض و طویل مافیائی به مثبته « سمپات ها و دلالان » تنزل داده می شود تا فوراً به درون جنبش کارگری منتقل شده و به بخشی از آن ارتقاء یابد.

۲- این اصل حیاتی برای جنبش کارگری که محک تاریخی بیش از سه دهه سلطه خونبار خانه کارگر را به همراه دارد، یعنی اصل نهاد سرکوب بودن خانه کارگر دود شده و به هوا رفته و جای آنرا « سمپات ها و دلالان خانه کارگر ... اعم از راست ارتجاعی » گرفته است.

۳- صفت « اعم از راست ارتجاعی » که قرار است به این بدعت ضدکارگری ظاهر چپ بدهد ابداً ربطی به نهاد سرکوب بودن خانه کارگر و ماهیت امنیتی و پلیسی آن نداشته، بلکه صرفاً به معنای وجود افکار و عقاید عقب مانده و مذهبی و سیاست های راست روانه است. اینجا خانه کارگری ها از اقشار سنتی و مذهبی و به لحاظ سیاسی عقب مانده جامعه الفاء می شوند که به هر حال در جنبش کارگری هم هستند. **حزب توده** و **اکثریت** نیز همان موقع که ارتجاع اسلامی را ضد امپریالیست و خلقی و انقلابی نامیدند و راه سلاخی کمونیست ها و بهترین فرزندان طبقه کارگر را هموار نمودند هیچگاه « خصلت دوگانه » خرده بورژوازی معبود خود و ضعف های « اعم از راست ارتجاعی » آنرا پنهان نکردند.

۴- بند ب می گوید: « جنبش کارگری (و دیدیم از نظر فرا گزولو شامل خانه کارگر و تشکلات مستقل کارگری هر دو است – برانته‌ها از من) عمیقا و ذاتا ضد امپریالیست است. » و به اینترتیب بین خانه کارگر و تشکلات مستقل کارگری وحدت ذاتی خلق می کند تا بتواند مینائی به اصطلاح تئوریک برای همکاری این دشمنان طبقاتی بترشد.

۵- در بند ب همچنین تأکید می شود جنبش کارگری (شامل خانه کارگر و تشکلات مستقل کارگری) « مستقل از مواضع راست و چپ احزاب و گروه ها » دارای وحدت ذاتی به ضد امپریالیسم است. می بینیم که وحدت ذاتی مورد نظر فرا گزولو به خانه کارگر محدود نشده و احزاب و گروه های دارای مواضع راست را هم در بر می گیرد. این احزاب و گروهها چیزی جز جریانات اکثریت و توده نیستند که « مستقل از مواضع راست » و جنایت بارشان «عمیقا و ذاتا» ضد امپریالیسم اند و لذا دارای وحدت ذاتی با سوسیالیسم فرا گزولو می باشند. (۳)

هدف اینجا پرداختن به نظرات فرا گزولو نیست (۴)، بلکه طرح این سؤالات در برابر فعالان جنبش کارگری است که چرا به این بدعت ضد کارگری برخورد نشد؟ چرا این نظر در سایت ها جولان داد بدون اینکه مورد انتقاد قرار گیرد؟ آیا دچار فراموشی جمعی شدیم و یادمان رفت که خانه کارگر با همه زیر مجموعه هایش نهاد سرکوب طبقه کارگر است؟ چرا ما به تحیب این چینی نهادی ضد کارگری در پوشش چپ بی تفاوت ماندیم؟ آیا با شیفتگی به ادعاهای «مارکسیستی» کسی به نظرات مخرب وی به دیده اغماض می نگریم؟ مهمتر اینکه آیا « کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری » این نظر را متعلق به خود دانست که منتشر نمود؟ آیا رفقای ما محتوی ضد کارگری آنرا تشخیص ندادند که چگونه در زیر عبارات پردازی های چپ، خانه کارگر به عنوان متحد تشکلهای مستقل کارگری بزک می شود؟ اگر قدرت تشخیص یکی از مهمترین منفعت های طبقاتی مان آنها از طرف کمیته ای که خود را ضد سرمایه داری و رادیکال می داند و بناء به تعریف بیشترین مسؤولیت را در این موارد بردوش دارد اینقدر ضعیف است آنگاه نباید برای سرنوشت کل تشکلهای مستقل کارگری نگران بود؟

آری باید نگران بود، هم برای بی تفاوتی نسبت به پیدایش جریان ضد کارگری « کانون عالی انجمن های صنفی کارگری»، هم برای انفعال در برابر تلاشهای مذبحخانه برای تطهیر خانه کارگر و هم برای برخورد سهل انگارانه به نقش خانه کارگر و امکان و توان آن برای تخریب تلاش های مستقل کارگری و نیز دهها بار باید نگران بود چرا اکنون دیگر این تنها اکثریتی ها و توده ای ها نیستند که مزدورانه برای خانه کارگر فرش قرمز پهن می کنند و « کانون عالی انجمن های صنفی کارگری» را « سندیکاهای کارگری » معرفی می کنند (۵)، بلکه کسانی هم در بین خودمان پیدا شده اند که به آنان لبیک گفته و برای باز نمودن در قعله جنبش مستقل کارگری از درون بروی خانه کارگر فریاد وحدت ذاتی ضد امپریالیستی سر داده اند.

آرایش سیاسی در جنبش کارگری ایران صف آرائی دو جبهه متخاصم و دو قطب آشتی ناپذیر است. در یکسو و در سمت ملیونها برده مزدی و در صف طبقه کارگر، جنبش مستقل کارگری با همه مبارزات و تشکلات و فعالان و محافل و اختلافات و نظرات و گرایشات درونی و خودی طبقه کارگر قرار دارد. در سوی مقابل و در جبهه متخاصم، اما دشمنان طبقه کارگر از کل طبقه سرمایه دار و احزاب و دستجات سیاسی رنگارنگ آن تا جمهوری اسلامی با همه گرایشات دیروز و امروز و درون و بیرون اش بهمراه خانه کارگر با همه زیر مجموعه هایش قرار دارند. سعادت و خوشبختی طبقه کارگر در به زیر کشیدن کل طبقه حاکمه و قدرت سیاسی آن و در گرو استقرار قدرت سیاسی خود است. اما تا امروز و در مسیر حرکت به آنسو، افشاء و انزوای فزاینده خانه کارگر و زیرمجموعه هایش و خنثی نمودن تحركات و توطئه های آن، و جارو نمودن کل این مجموعه مافیائی و آدمکش از

برابر پیشروی جنبش مستقل کارگری، و اعمال هژمونی این جنبش به عنوان تنها نماینده و سخنگوی کارگران در ایران و جهان از وظایف اولی و اساسی جنبش ماست. وظیفه ای که نه می تواند و نه می باید با نگاهی سهل انگارانه مورد قصور و غفلت قرارگیرد. به ویژه امروز که افشای ماهیت ضد کارگری « کانون عالی انجمن های صنفی کارگری » امری حیاتی است باید نسبت به توطئه های خانه کارگر بیش از هر موقع هوشیار بود.

امیر پیام

۲۲ آبان ۱۳۸۹

۱۲ نوامبر ۲۰۱۰

زیرنویس ها:

۱- انتشار مطلب « سیاست خارجی جنبش کارگری » در سایت « اتحاد سوسیالیست کارگری » بار دیگر نشان می دهد که تبیین از این محفل به عنوان جریان نئوتوده ایستی چقدر به جا و دقیق است. گردانندگان این محفل می باید تطهیر خانه کارگر و اعاده حیثیت از آن و چنین مشاطه گری سرکوبگران طبقه کارگر را به لیست افتخارات خود بیفزایند.

2- « سیاست خارجی جنبش کارگری »، محمد قرا گوزلو، سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های

کارگری : [HTTP://WWW.KHAMAHANGI.COM/POST1010.HTM](http://www.khamahangi.com/post1010.htm)

قابل ذکر است که بعدا محمد قرا گوزلو تلاش نمود تا نظرات موجود در « سیاست خارجی جنبش کارگری » را در نوشته دیگری به عنوان « جنبش کارگری و امپریالیسم » که آنهم در سایت کمیته هماهنگی موجود است توجیه نموده و اندکی تلطیف کند. اما این نوشته دوم نیز در تأیید همان تبیین ضد کارگری ایشان از خانه کارگر و اعلام تعلق خود به کمپ ضد امپریالیسم است.

3- وحدت ذاتی نیروهای ضد امپریالیسم و در برگیرنده نیروهای راست و ارتجاعی مورد ادعای قرا گوزلو، در نوع خود بازگو کننده این حقیقت است که حداقل از دهه هشتاد قرن گذشته تاکنون، و به ویژه از پایان جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین و عروج ضد کمونیسم و ناسیونالیسم و جنگ های قومی و مذهبی در جهان، « ضد امپریالیسم » پدیده ای تا مغز استخوان ضد کارگری و ارتجاعی است. طبقه کارگر می باید پرچم «ضد امپریالیسم» را به ذباله دان بیندازد و پرچم سوسیالیسم کارگران و افق ضد سرمایه داری خود را برافروزد. خواننده علاقه مند به مطالعه مطلب « راه سوسیالیسم و حفره ضد امپریالیسم » در لینک زیر دعوت می شود :

amirpayam.wordpress.com

۴- عناصر مهم نظرات محمد قرا گوزلو از قبیل « ضد امپریالیسم » و «ضد صهیونیسم» و قرار دادن « مبارزه علیه نئولیبرالیسم » به جای مبارزه علیه نظام سرمایه داری، کلا خط سیاسی او را خارج از سنت کمونیستی طبقه کارگر قرار می دهد. در رابطه با موضع ضد صهیونیستی ایشان مطالعه مطلب « کارگران و جمهوری ضد یهود » خالی از فایده نیست: amirpayam.wordpress.com

۵- برای آشنائی با این موضع اخیر اکثریت می توان به مطلب « مژده شوم: سندیکاهای کارگری می آیند » رجوع کرد: amirpayam.wordpress.com

نوامبر 2010۱۵ - نوشته شده به دست

اگر می پذیریم که برقراری آزادی، عدالت و سوسیالیسم
در هر جامعه ای، تنها بدست توانای طبقه کارگر امکان
پذیراست؛ آیا تبلیغ و ترویج مقالات کارگری، از جمله
وظایف اخلاقی و انسانی یک رسانه مردمی نیست؟